

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تحلیل غزلیات حافظ بر مبنای نظریهٔ نظم عبدالقاهر جرجانی (با تأکید بر ۵۰ غزل)

دانشجو

الهه سامقانی

استاد راهنما

دکتر حسینعلی قبادی

استاد مشاور

دکتر خدیجه حاجیان

اسفند

۱۳۹۳

به نام خدا

تأییدیه اعضای هیأت داوران در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم الهه سامقانی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان «تحلیل غزلیات حافظ بر مبنای نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی (با تأکید بر ۵۰ غزل)» را در تاریخ ۱۲/۱۲/۹۳ از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کند.

امضا	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استاد	دکتر حسینعلی فبادی	۱- استاد راهنما
	دانشیار	دکتر خدیجه حاجیان	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر حیات عامری	۳- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر سهیلا صلاحی مقدم	۴- استاد ناظر
	استادیار	دکتر حیات عامری	۵- ناظر تحصیلات تکمیلی

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده 1- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده 2- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده 3- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده 4- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده 5- این آیین‌نامه در 5 ماده و یک تبصره در تاریخ 87/4/1 در شورای پژوهشی و در تاریخ 87/4/23 در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ 87/7/15 شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب المرسام قالیچ دانشجوی رشته زیان و زیان‌های مادی ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۱/۹۲ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:

تاریخ: ۹۳/۱۲/۱۲



آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده 1: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده 2: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته زبان و ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۹۳ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر حسنعلی مهدری، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر دکتر خدیجه حاجیان و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.»

ماده 3: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده 4: در صورت عدم رعایت ماده 3، 50٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده 5: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده 4 را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده 6: اینجانب اللهم سبحانه در رشته زبان و ادبیات فارسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: اللهم سبحانه

تاریخ و امضا: _____
۹۳/۱۲/۱۲

تقدیم

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگی ،

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگاران بهترین پشتیبان است ،

به پاس قلب های بزرگشان که فریاد رس است و سرگردانی و ترس در پناهمشان به شجاعت می گراید و به پاس

محبت های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی کند...

این مجموعه را به پدر و مادر عزیزم تقدیم می کنم .

تقدیر و سپاس

سپاس و ستایش مر خدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن ، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید .

به مصداق « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بسی شایسته است از اساتید فرهیخته ، جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی و سرکار خانم دکتر خدیجه حاجیان ، که با کرامتی چون خورشید ، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده بارور ساختند ، تقدیر و تشکر نمایم .

همچنین از پدر و مادر عزیز ، دلسوز و مهربانم که آرامش روحی و آسایش فکری فراهم نمودند تا با حمایت های همه جانبه در محیطی مطلوب ، مراتب تحصیلی و نیز پایان نامه درسی را به نحو احسن به اتمام برسانم ،

سپاسگزاری نمایم . شکر خدا که هر چه طلب کردم از خداوند ، بر منتهای همت خود کامران شدم .

چکیده

حافظ افزون بر تأثیر مستقیم و الهام مستمر از آیات قرآن کریم در الفاظ، گزاره‌ها، تعبیرات، اسلوب‌ها و شگردهای تصویرسازی خود نیز تحت تأثیر قرآن کریم و آثار تفسیری و دیدگاه‌های بلاغی برخی قرآن‌پژوهان متقدم قرار داشته است. او با مطالعه بعضی تفسیرهای قرآن کریم - که به جنبه‌های ادبی قرآن نیز پرداخته‌اند - بویژه تفسیر کشاف زمخشری، به طور غیر مستقیم با دیدگاه‌های معطوف به اعجاز بیانی قرآن عبدالقاهر جرجانی نیز آشنا شده و براین مبنا به ساختار غزلیات خود هویتی ممتاز بخشیده است. رویکرد جرجانی به متن، رهیافتی متمایز است که می‌تواند در شناخت ابعاد گوناگون یک اثر ادبی راه‌گشا باشد. در دیدگاه جرجانی رابطه لفظ و معنی از سطح رابطه دال و مدلول فراتر می‌رود و بعد سوم می‌یابد که وی آن را با عنوان "نظم" یا "نظام" بیان می‌کند. در حقیقت، نظم در متن ادبی، حاصل ترتیب و چیدمان خاص الفاظ و کلمات در یک ساخت مشخص است. تعمق حافظ در "ساختار قرآن کریم" و آگاهی و بهره‌گیری وی از عنصر "نظم"، ساختاری ویژه را در غزلیاتش رقم زده است؛ و روساختی به ظاهر گسسته با ژرف ساختی پیوسته و "دوری" را به بار آورده است. این تحقیق، درصدد بازکاوی تأثیر حافظ از "نظریه نظم" در شکل دهی به ساختار غزلیات است. این جستار مدعی است "نظریه نظم" جرجانی موجب "دوری" شدن برخی غزلیات حافظ گردیده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد، با بهره‌گیری از نظریه انسجام‌هالیدی، بهتر می‌توان به چگونگی تأثیر حافظ از "نظریه نظم" جرجانی پی برد.

کلید واژه: قرآن کریم، عبدالقاهر جرجانی، نظریه نظم، غزلیات حافظ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱-۱ مقدمه
۴	۲-۱ تعریف مسئله
۷	۳-۱ پرسش های تحقیق
۸	۴-۱ فرضیه های تحقیق
۸	۵-۱ مبانی و چارچوب نظری تحقیق
۸	۶-۱ تعریف مفاهیم
۸	۱-۶-۱ انسجام
۹	۲-۶-۱ عوامل انسجام در متن
۹	۱-۲-۶-۱ انسجام واژگانی
۹	۲-۲-۶-۱ انسجام دستوری
۱۰	۳-۲-۶-۱ ارجاع
۱۰	۴-۲-۶-۱ حذف

- ۱-۶-۲-۵ جانشینی..... ۱۰
- ۱-۷ علم معانی..... ۱۰
- ۱-۸ ادبیت..... ۱۱
- ۱-۹ پیشینه تحقیق..... ۱۱
- ۱-۹-۱ جامعه آماری..... ۱۲
- ۱-۹-۲ روش تجزیه و تحلیل..... ۱۳

فصل دوم : شرح و بیان "نظریه نظم" عبدالقاهر جرجانی

- ۲-۱ مقدمه..... ۱۵
- ۲-۲ عبدالقاهر جرجانی (مروری بر زندگی و اندیشه‌های وی)..... ۱۵
- ۲-۲-۱ جایگاه علمی جرجانی..... ۱۶
- ۲-۲-۲ تاثیر جرجانی بر دیگران (زمخشری ، حافظ و سید قطب)..... ۱۷
- ۲-۳ پیشینه نظریه نظم..... ۱۸
- ۲-۴ تبیین نظریه نظم..... ۱۹
- ۲-۴-۱ لفظ..... ۲۲
- ۲-۴-۲ معنا..... ۲۳

- ۲-۴-۳ رابطه بین لفظ و معنا.....۲۳
- ۲-۵ معنای معنا.....۲۴
- ۲-۶ نحو و نظم.....۲۵
- ۲-۷ استعاره و نظم.....۲۷
- ۲-۸ مقایسه اجمالی دیدگاه جرجانی با دیدگاه نظریه پردازان معاصر.....۲۸
- ۲-۸-۱ جرجانی و فرمالیست ها.....۲۸
- ۲-۸-۲ جرجانی و ساختارگرایان.....۳۲
- ۲-۸-۳ جرجانی و مکتب نقد نو.....۳۳

فصل سوم : حافظ و نظریه نظم

- ۳-۱ مقدمه.....۳۸
- ۳-۲ آبخورهای حافظ۳۸
- ۳-۲-۱ آبخورهای مستقیم (منابع مستقیم).....۳۹
- ۳-۲-۱-۱ قرآن ، مهمترن منبع.....۳۹
- ۳-۲-۱-۲ تفسیر کشاف زمخشری.....۴۱
- ۳-۲-۲ آبخورهای غیر مستقیم (منابع واسط).....۴۲
- ۳-۳ زبان حافظ.....۴۲

- ۳-۳-۱ حافظ و آشنایی زدایی (خلاف آمد عادت)..... ۴۳
- ۳-۳-۴ لفظ و معنا در شعر حافظ ۴۴
- ۳-۳-۵ حافظ و نظریه نظم..... ۴۹
- ۳-۳-۶ ساختار غزلیات حافظ..... ۵۴
- ۳-۳-۱ شکل ذهنی در غزلیات حافظ..... ۵۶
- ۳-۳-۲ ساختار دوری معنا..... ۵۷
- ۳-۳-۳ انسجام در غزلیات حافظ..... ۶۰

فصل چهارم : تحلیل غزلها

- ۴-۱ مقدمه..... ۶۲
- ۴-۲ فهرست مطلع‌های غزل‌های برگزیده شده..... ۶۳
- ۴-۳ تحلیل غزل‌ها..... ۶۵
- ۴-۴ شگردهای هنری و بلاغی حافظ بر اساس نظریه نظم..... ۱۹۴
- ۴-۴-۱ اغراض ثانوی تقدیم مسند(فعل) در غزلیات..... ۱۹۵
- ۴-۴-۱-۱ طعنه زدن به صوفیه و زهاد ۱۹۵
- ۴-۴-۱-۲ دعوت به عیشی بزرگ و عزمی سترگ..... ۱۹۶
- ۴-۴-۲ تصویرسازی های حافظ (خاصیت نمایشی در برخی غزلها)..... ۱۹۶

- ۳-۴-۴ انتخاب مطلع‌های ویژه.....۱۹۸
- ۴-۴-۴ شخصی‌سازی‌های حافظ.....۱۹۹
- ۵-۴-۴ ابهام هنری در غزلیات.....۲۰۰
- ۶-۴-۴ خطاب‌های جمعی (بیدار کردن و فراخواندن تمامی انسانها).....۲۰۱
- ۷-۴-۴ خطاب‌های بیدارگر.....۲۰۱
- ۸-۴-۴ التفات۲۰۱
- ۹-۴-۴ حافظ : الهة ایهام.....۲۰۱
- ۵-۴ چند نوع "واو" در غزلیات حافظ.....۲۰۳
- ۱-۵-۴ "واو" حذف و ایجاز.....۲۰۳
- ۲-۵-۴ "واو" مبیانت.....۲۰۳
- ۳-۵-۴ "واو" همراهی و مساوات.....۲۰۴
- ۴-۵-۴ "واو" حسرت و اندوه.....۲۰۴
- ۵-۵-۴ "واو" استعانت (در جهت درخواستی بزرگ).....۲۰۴
- ۶-۵-۴ "واو" حالیه.....۲۰۵
- ۶-۴ موسیقی (مهم‌ترین هنر سازه حافظ).....۲۰۵

۷-۴ هم‌نوایی و هم‌صحتی با عناصر طبیعت و حیوانات (صبا ، نسیم سحر ، بلبل).....۲۰۷

فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادها

نتیجه.....۲۰۹

پیشنهادها.....۲۱۰

فهرست منابع و مآخذ۲۱۱

چکیده انگلیسی۲۱۹

فصل اول

کلیات تحقیق

مهم ترین ابزار کار شاعر و نویسنده ، "زبان" است . الفاظ ، واژگان و تعابیر ، مواد و مصالح خام در نزد شعرا و نویسندگان هستند . آنها ، روحیات و درونیات خویش را تنها با نوعِ زبان و بیانی که به کار می‌گیرند ، به مخاطبان عرضه می‌کنند . بنابراین " نوع بیان " و " تکنیک "های به کار گرفته شده به وسیله آنها ، مهم است . در حقیقت " غنای زبان و زیبایی و کمال آن " به دست شاعر است . شاعر توانمند کسی است که با شناخت امکانات و کارکردهای همه جانبه زبان ، بتواند آنها را به کار گرفته و دست به آفرینش‌های بدیعی بزند ، و هرگاه در جریان ارتباطات زبانی ، کوتاهی و نقصی احساس کرد ، متناسب و هماهنگ با ظرفیت‌های زبان ، آن را تغییر دهد . « زبان ترجمان ادراک است و هر چه ادراک امور ژرف و گسترده و لطیف باشد ، زبان نیز ظریف و دقیق و سرشار از نکته ها خواهد بود . از سویی دیگر، هر چه زبان پرداخته و در پرویزن بیان بیخته و هنرمندانه ادا شود طیف گسترده‌ای از معانی اتمی و اثیری به ذهن القا می کند . در این صورت ، عبارات از سطح و رمز سازه‌ها و ترکیبات عمومی فراتر می رود و با کاربردهای بدیع و خلاق ، باردار معانی ظریف وباریکی می شود و حوزه دلالت آنها بسی وسعت می یابد . » (فراستخواه ، ۱۳۷۶ : ۱۹۶)

"نظریه نظم" نیز ، درحقیقت برداشت جرجانی از "زبان" در جایگاه نظامی از روابط است . از منظر جرجانی ، الفاظ و واژه‌ها در کنار یکدیگر و در بافتار سخن است که زندگی می‌یابند و در غیر این صورت مرده و بی-جان هستند و این نویسنده و شاعر است که باید از این مهم آگاه بوده و آن را به کار ببندد و این مهم حاصل نمی‌شود مگر با شناخت همه جانبه امکانات زبان . « نکته مهم آن است که جرجانی معنای سخن را صرفاً محدود به معنای از پیش تعیین شده الفاظ نمی دانسته ، بلکه نظم و ساخت موجود در سخن ، و روابط و پیوندهای خاص میان الفاظ را موجد معنا می دانسته است . » (ساسانی ، ۱۳۸۷ : ۳۲۲)

نویسنده کتاب " موسیقی شعر " در تعریف شعر می گوید : « شعر در حقیقت چیزی نیست جز شکستن نرم عادی و منطقی زبان . این شکستن نرم ، گاه با در هم ریختن کلمات و پیوند دادن آنها توأم بوده است و در نظر بعضی دیگر ، علاوه بر اینها ، تشبیه و استعاره نیز از عناصر در هم شکستن نرم منطقی زبان بوده است

ولی شعرای بزرگ علاوه بر وزن و قافیه و تشبیه و استعاره ، به حدی از اشراف بر کلام رسیده بودند که در شعرشان نوعی "نظام" وجود دارد ، این نظام در آن سوی وزن و قافیه است یا چیزی است مسلط بر مجموع وزن و قافیه و تشبیه.» (شفیعی کدکنی ، ۱۳۷۶ : ۲۴۰) در حقیقت شعر حاصل شور درونی شاعر است که با چینش صحیح الفاظ و واژگان زندگی می‌یابد . بدیهی است که هر قدر تناسب بین هیجان‌ها و انتخاب کلمات ، دقیق تر صورت گیرد ، شعر لطیف‌تر و دلنشین‌تر می‌نماید. زبانی که شاعر برمی‌گزیند ، در مجموع ، تداعی‌های او را آشکار می‌سازد . دامنهٔ وسعت این تداعی‌ها است که مخاطب را با خود همراه ساخته ، به فکر فرو برده و در نهایت التذاذ ایجاد می‌کند . این مسأله هم در شعرای مختلف متفاوت است . در طول تاریخ شعر و ادب ، شاعران معدودی بوده‌اند که اشعارشان دارای این ویژگی بوده است . حافظ - خداوندگار ایهام- مضامین و اندیشه‌ها را در بهترین شکل ممکن ساخته و پرداخته است . تا آنجا که در غزلهای او شکل و محتوا آنچنان با هم در ارتباطند و در هم تنیده شده‌اند که قابل تفکیک نیستند . در غزلیات حافظ ، واژگان و الفاظ با ایجاد تناسبات پیدا و پنهان با یکدیگر ، در بافت غزل زندگی می‌یابند و کلیت و نظامی یکپارچه را سامان می‌دهند. از رهگذر مفهوم "نظم و ساختار" می‌توان به تلقی روشن‌تر و ژرف‌تری از اجزای اثر دست یافت چراکه در یک اثر ، همهٔ اجزا کاملاً به یکدیگر مرتبطند و کارکرد هر جزء وابسته به کل نظام است . به دیگر سخن ، کل نظام بدون درک کارکرد اجزاء قابل درک نیست . تلقی اثر به صورت یک کل به هم پیوسته ، امری مهم و اساسی در عرصهٔ نقد محسوب می‌شود. عبدالقاهر جرجانی ، نیز همواره بدین امر مهم ، تأکید داشته است . نویسندهٔ کتاب "رستخیز کلمات" در این باره می‌گوید : «هر قدر ساختار متن منسجم‌تر و دارای تنوع و وحدت بیشتری باشد ، متن آستانِ احتمالات بیشتری خواهد بود. وظیفهٔ هنرمند کاری جز ایجاد ساخت و صورت نیست و وظیفهٔ ساختار و صورت هم چیزی نیست جز ایجاد مجموعه احتمالات هر چه بیشتر.» (شفیعی کدکنی ، ۱۳۹۱ : ۱۷۴)

نکته‌ای که در خوانش غزلیات حافظ مهم است و باید بدان توجه کرد این است که ؛ اولاً غزلیات حافظ "متن" هستند دوماً به آنها باید به عنوان یک کل نگریسته شود و همهٔ اجزا را در ارتباط با یکدیگر در نظر

گرفت. همچنین باید دانست که لازمه درک و فهم صحیح غزلیات، گذر از لایه ظاهری کلمات (روساخت) و نفوذ به درون متن برای شناخت لایه پنهانی جملات و معانی آن (ژرف ساخت) است.

می توان گفت به رغم تمامی تحقیقات و پژوهش های انجام شده، همواره برخی از تناسبات پنهان، زیبایی های کلامی و شگردهای بیانی اشعار بزرگانی چون حافظ و سعدی و فردوسی مکشوف مانده و یا به تعبیر خود خواجه حافظ کسی نتوانسته است از روی چهره زیبای عروس سخن او نقاب برگشاید.

۱-۲ تعریف مسئله

از قرن دوم هجری بحث در باب اعجاز قرآن و فصاحت و بلاغت آن، اندیشمندان مسلمان را بر آن داشت که به تدوین علوم بلاغی بپردازند. در این میان هر یک از آنها آراء گوناگونی را در باب اعجاز قرآن بیان داشتند؛ گروهی اصالت و زیبایی را به لفظ دادند و لفظ را رکنی مهم در فصاحت و بلاغت دانسته و در جرگه لفظ گرایان قرار گرفتند و گروهی دیگر هم اصالت و زیبایی را به معنا داده و در زمره معناگرایان قرار گرفتند. بحث های لفظ گرایان و معناگرایان تا مدت ها ادامه داشت تا اینکه با ظهور عبدالقاهر جرجانی در قرن پنجم هجری، این مباحث وارد مرحله جدیدی شد. جرجانی با ارائه آراء و استدلال های خود، به جدال دراز دامن لفظ گرایان و معناگرایان پایان داد و نظریه ای جدید، به نام "نظریه نظم" مطرح کرد. جرجانی صراحتاً بیان می دارد که: «اعجاز قرآن مربوط به "نظم" کلام است نه مربوط به کلمات مفرد، اعجاز در نظم و تألیف آیات است و نظم عبارت از منظور کردن مقاصد و احکام نحوی مابین کلمات است.» (رادمنش، ۱۳۶۸: ۴۶۵ و ۴۶۶) جرجانی معتقد است: «منظور از "نظم و ترتیب" در کلام در حقیقت عملی است که مولف در "معانی کلام" انجام می دهد و نه در الفاظ. [در حقیقت] مؤلف با مهارت خود در تنظیم کلام، مانند هنرمندی است که رنگهای مختلفی را فراهم می آورد و در آنها نظمی را پیگیری می کند و در آن نظم انواع نقش و نگار را پدید می آورد.» (جرجانی، ۱۳۹۸ / ۱۹۷۸ م: ۲۷۵)

جرجانی در دو اثر ارزشمند خویش (یعنی دلائل الاعجاز و اسرار البلاغه)، آراء سنتی مربوط به اهمیت لفظ و معنا را رد کرد و فصاحت و بلاغت را برآمده از مجموعه لفظ و معنا و ساخت و ترکیب آنها دانست.

جرجانی برای تبیین و شرح نظریه ی خویش ، محورهایی را بیان کرده است از جمله : نکاتی در باب واژگان و الفاظ ، کارکرد های نحوی ، ارتباط میان لفظ و معنا ، مسئله ی ساخت و صورت . و در نهایت پس از تبیین این مباحث به ساحت بسیار مهم « معنای معنا » می رسد. او "معنای معنا" را اینچنین بیان می کند :

« المعنى ، المفهوم من ظاهر اللفظ و الذى تصل اليه بغير واسطه ، و معنى المعنى أن تعقل من اللفظ معنى ثم يفضى بك ذلك المعنى الى المعنى الآخره » (جرجانی ، ۱۳۹۸ / ۱۹۷۸ م : ۲۰۳)

وجود طرح یا ساختار در یک اثر ، اهمیتی ویژه دارد چراکه در حقیقت عناصر و اجزای یک اثر در درون یک ساخت و نظام کلی معنا می یابند . منظور از ساختار ، "انتظام درونی یک اثر" است . آنچه در ساختار و نظام مهم است ارتباط زنجیره ای دال ها و تمامی عناصر و اجزا با یکدیگر است . در واقع کلیه روابط سازنده یک ساختار یا سیستم است که به کشف محتوای اصلی و پنهان اثر کمک می کند . نکته مهم و حائز اهمیت این است که برای درک ساختار و فهم ساختاری از یک متن ، باید عمدتاً نگاهی کل نگر داشت . نگاه کل نگر به متن ، اصلی مهم و اساسی در خوانش و فهم متون است ؛ نکته ای که از دیرباز اندیشمندان ایرانی ، عبدالقاهر جرجانی ، نیز بدان اشاره داشته است . «جرجانی اثر ادبی را در یک "ساخت و نظام کلی" بررسی می کرد و جنبه درونی متن را مورد مذاقه قرار می داد.» (توکلی ، ۱۳۸۹ : ۲۹) از منظر جرجانی ، نمی توان درباره اثری قضاوت کرد مگر اینکه تمام آن را شنید . وی معتقد است که باید به کلیت متن توجه کرد و اگر بیتی از ابیات دیگر جدا شود رونق و زیبایی اش را از دست می دهد . یافتن ارتباط میان اجزای کلام امری مهم و اساسی در کشف ارزش هنری متن است زیرا اثری ارزشمند است که اجزاء ساختار آن ، دارای پیوند درونی باشند که از این پیوند درونی با عنوان " انسجام و کلیت متن " یاد می شود . در حقیقت مهم ترین عامل شکل دهنده اثر ادبی " انسجام " است . نکته حائز اهمیت این است که انسجام با " نظم " در ارتباط است ؛ هم خارج از آن و هم در ارتباط با آن معنا می دهد . به دیگر سخن ، می توان گفت نظریه انسجام پشتوانه نظریه نظم است . هالیدی زبان ، را مجموعه ای از روابط و پیوندها می داند و به " ارکان دستوری " و " بافت " کلام نیز توجه ویژه ای دارد . منظور از " نظم " نیز ، مجموعه روابط علی و معلولی میان کلمات است که به شیوه های متعدد از سوی گوینده اختیار می شود . انسجام هم

مجموع روابط معنایی میان عناصر و اجزای متن است . هم جرجانی در " نظریه نظم " و هم هالیدی در " نظریه انسجام " به " معنا " و " روابط معنایی " ایجاد شده به وسیله عناصر و اجزای متن اشاره دارند . هالیدی به " نقش های دستوری " در متن توجه ویژه ای دارد ، جرجانی نیز به " ساختارهای نحوی " تأکید بسیار دارد .

به نظر می‌رسد نکاتی که جرجانی در باره زبان و نوع بهره گیری از آن ، بیان می‌کند ، همان نگاهی است که حافظ به زبان دارد ؛ به عبارت دیگر « در اشعار حافظ کلمات بر خلاف جایگاهی که منطق زبان به آنها اختصاص می‌دهد ، قرار گرفته اند و وسعت احساس و اعجاز هنری و دامنه بی‌مرز معانی آن، همه زائیده بدعت گذاری حافظ در برابر سنت منطقی زبان است . » (تقریرات دکتر شریعتی) محبتی درباره تأثیری که جرجانی بر ادیبان بعد از خود داشته ، این چنین می‌نویسد : « حافظ در نوع نگاه هنری اش کاملاً تحت تأثیر عبدالقاهر جرجانی است . به نوعی می‌توان گفت اغلب شاعرانی که از قرن پنجم به بعد ، خلاقانه به ادبیات نگاه کرده‌اند ، تحت تأثیر جرجانی هستند. مثلاً وقتی حافظ می‌گوید : " حسد چه می‌بری ای سست نظم بر حافظ ... " ، کلمه "نظم" [در این بیت] معنای وسیع تری دارد ؛ به نظر می‌رسد حافظ ، "نظم" را در معنای جرجانی وار آن ، در نظر دارد چراکه نگاه او هم به ادبیات بیشتر بلاغی است.» (محبتی ، ۱۳۸۳ : ۶۱)

شعر حافظ از نظر " ساخت " نیز ، متنی متمایز به نظر می‌رسد و از دیدگاههای گوناگون از سوی پژوهشگران در مرکز توجه قرار گرفته است . عده ای برآنند که غزلیات حافظ دارای ساختی پریشان و فاقد انتظام است . برخی از جمله مسعود فرزاد در صدد بوده‌اند تا با مرتب کردن و جابجایی ابیات یک نظم منطقی به آنها بدهند . شمیسا (۱۳۷۲) ، پورنامداریان (۱۳۸۸) ، محبتی (۱۳۸۸) ، زرقانی (۱۳۹۳) ، برآنند که غزلهای حافظ " نظامی درونی " و " ساختی پنهان " دارد . با توجه به اینکه یکی از مهم ترین منابع و آبشخورهای حافظ " قرآن کریم " بوده است می‌توان گفت که حافظ بیش از همه از این ساختار ویژه بهره گرفته است و نخستین خلاف عادت و آشنایی زدایی که در حوزه زبان برگزیده است ، "انتخاب